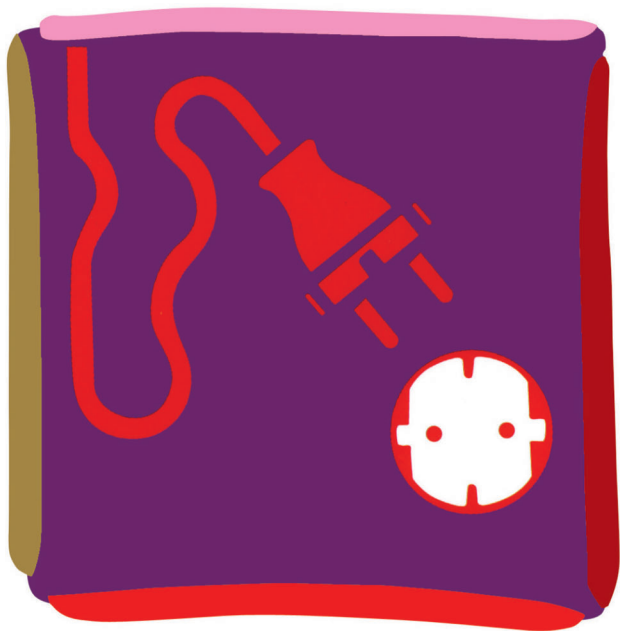


اولف اکمن



قدرت موجود در
تولد تازه

قدرت موجود در تولد تازه

اولف اکمن

قدرت موجود در خلقت تازه

پیش از شروع یک زندگی موثر و عملی مسیحی، سه چیز وجود دارد که دانستن آن ضروری است؛ ابتدا باید بدانید که خدا کیست، چه طور وارد شده و چه کاری برای شما انجام می دهد، دوم این که شما کیستید و چه دارید و چه کاری می توانید انجام دهید؟ سوم این که شما باید دشمن خود را بشناسید، بدانید چه دارد و چه کاری می تواند انجام دهد. اما بیش تر لازم است بدانید زمانی که مطابق اراده ی خدا و در راستای کلام او حرکت می کنید، دشمن شما نمی تواند هیچ کاری علیه شما انجام دهد. زمانی که شما این مسایل را درک کردید، به عنوان یک مسیحی در یک زندگی پیرومند قدم خواهید گذاشت و توانایی رودررویی با شریر را به دست خواهید کرد و وارد زندگی ای می شوید که به آن خوانده شده اید.

بنیاد و اساس ما خلقت تازه است

در این کتاب ما بر نکته ی دوم متمرکز می شویم، شما در مسیح کیستید؟ در او چه چیزی دارید؟ و از طریق او چه کاری می توانید انجام دهید؟ دوم قرن تیان ۵: ۱۷ می گوید: "پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه ای است؛ چیزهای کهنه درگذشت، اینک همه چیز تازه شده است."

این مطلب در غلاطیان ۶: ۱۵ به صورت روشن تری بیان شده است: "زیرا نه ختنه چیزی است و ختنه ناشدگی؛ آن چه اهمیت

دارد خلقت جدید است." اگر شما تولد تازه را درک نکنید، زندگی مسیحی و هر چیزی که به مسیحیت به مفهوم تام آن وابسته است، برایتان بی مفهوم خواهد شد. درک مفهوم خلقت تازه به عنوان انسانی جدید در عیسای مسیح بسیار حیاتی و ضروری است. شما باید با این انسان جدید به عنوان فردی که رشد می کند، اعمال شایسته به جا می آورد و به تدریج در زندگی شما گسترش می یابد، هم ذات پنداری کنید، بدین ترتیب انسانیت جدید و قابلیت های او تبدیل به حقیقتی در زندگی شما می شود و شما را قادر به خدمت خداوند به طریقی که خواست اوست، می نماید.

کتاب مقدس درباره یک انسان جدید صحبت می کند، بنابراین می توانیم فرض کنیم که یک انسان کهنه نیز وجود دارد. انسان کهنه نتیجه حادثه ای است که کتاب مقدس از آن به عنوان سقوط نام می برد. پیش از ادامه و گسترش بحث لازم است بدانیم که آدم وقتی در گناه فرو غلطید، از نظر روحانی مرد.

آدم با خدا راه می رفت

آدم در یک ارتباط کامل با خدا قدم می زد. او به شباهت خدا خلق شده بود و قادر بود با او راه رفته و حرف بزند. او در یک ارتباط مستقیم با پدر آسمانی قرار داشت و در رابطه ای لذت بخش با او بود. او پوشیده شده به آتش و احاطه شده به نور بود، درست شبیه پدر آسمانی اش. خدا در یک نور غیرقابل دسترسی حضور دارد و

تمامی وجود آدم نشان دهنده ی جلال و شکوه خداوند بود و طبیعت و عظمت و قدرت پدر آسمانی را بازمی تاباند. آن ها در یک نظم کامل با یکدیگر قدم می زدند تا روزی که آدم وسوسه شده و از نظر روحانی مرد.

پیامد سقوط آدم

زمانی که آدم گناه کرد، خود را تسلیم شیطان نمود و از حضور خداوند خارج و در اسارت قدرت شیطان که رییس این جهان شده بود، قرار گرفت. از آن لحظه به بعد، فقر و بیماری به زمین وارد شد. اکنون مرگ ابدی روح و مرگ جسمانی ارث آدمی گشته بود.

مسیح نمونه ی ما

انسان از خدا جدا شد و در همین وضع تا زمانی که عیسیای مسیح به عنوان آدم ثانی به جهان آمد، باقی ماند. عیسا نخستین انسانی بود که حقیقتا جلال خدا را بازتاب می تاباند. او به جهان نشان داد که خدا کیست. او طبیعت پدر، توانایی و اقتدار او، خواست و محبت و عشق او را بر یکایک ما آشکار ساخت. آدم ثانی همچون نمونه ای برای ما در زمین قدم نهاد. عیسا انسانی جدید بر زمین بود، او برای انسان آشکار ساخت که چگونه باید زندگی کند، چه کاری باید انجام دهد و چه رفتاری داشته باشد. عیسیای مسیح منجی و بازخردار ماست، اما باید در نظر داشت که او همچنین نمونه ای است از زندگی در طریق و خواست خدا. "محبت این چنین در ما به کمال رسیده

است تا در روز داوری اطمینان داشته باشیم، زیرا ما در این دنیا همان گونه ایم که او هست." (اول یوحنا ۴: ۱۷)

عیسا راه را باز کرده است

راه بازگشت به آسمان از طریق عیسا دوباره باز شده است. ما به واسطه ی خون او، مرگ او و نزول اش به دوزخ، جایی که قدرت شیطان را درهم شکست و بر مرگ غلبه یافت، باز خرید شده ایم. انسان به واسطه ی او آفریده شد و دشمنی خدا با ما برداشته شد. عیسا قیام کرد و بر دست راست پدر نشست. سپس او روح القدس را جاری ساخت تا شرایط لازم برای خلقت تازه را ایجاد نماید.

عصر کلیسا

عصر کلیسا روز پنطیکاست آغاز شد، روزی که خلقت تازه، حرکتی عملی انجام داد. روح القدس یک شخصیت کاملا جدید خلق کرده بود. اناجیل این اتفاق را پیشگویی کرده بودند اما اکنون رازی که در طول تاریخ مخفی شده بود، خود را آشکار می ساخت. این راز در عهد جدید در اختیار ما قرار گرفته است. کولسیان ۱: ۲۷ در این رابطه می گوید: "خدا چنین اراده فرمود که بر ایشان آشکار سازد، که این راز از چه جلال عظیمی در میان غیر یهودیان برخوردار است، رازی که همانا مسیح در شماسست، که امید جلال است."

عیسا در ما

هیچ حقیقتی مهم تر از درک و روشن شدن مفهوم خلقت تازه در عیسی مسیح برای مسیحیان نیست. عیسی مسیح حضور خود را از طریق روح القدس در ایمان داران تولد تازه یافته، ادامه می دهد. او قادر است که در ایمان داران زندگی کند و از طریق آنان حکمرانی نماید و پادشاهی خداوند بر زمین را برقرار سازد. این آن رازی است که لازم است در پیمان و عهد جدید خداوند، درک شود. می دانیم که ما به واسطه ی فیض نجات یافته ایم و دیگر گناهکار نیستیم. ما در گذشته گناهکار بودیم و به واسطه ی فیض نجات یافتیم و خداوند حضورش را در ما از طریق روح القدس ادامه می دهد.

این حقیقت به قدری بنیادی است که اگر ما حقیقتا آن را درک کنیم، باید همواره و هر روزه خداوند را بپرستیم. اگر شما مفهوم ضمنی این حقیقت را درک کنید که خدای خالق آسمان و زمین شخصا در درونتان زیست می کند، لازم نیست تلاشی کنید چون خود به خود او را هر روزه پرستش خواهید کرد. عیسا تنها در دست راست پدر آن بالا در آسمان ننشسته است که ناچار باشیم نزد او فریاد کنیم با این امید که صدایمان را بشنود و جواب ما را بدهد، او خدایی است که سکونت اش را در شما با تمام جلال و شکوه اش ادامه می دهد. او انسان درونی شما را مجددا خلق کرده است تا در روحتان مجددا شبیه خود خدا شوید.

شما بخشیده شده اید

دانستن این نکته شگفت انگیز است که خداوند نه تنها گناهان شما را بخشیده، بلکه در شما انسان جدیدی را خلق کرده که هرگز پیش از این وجود نداشته است. شما اکنون در عیسای مسیح دارای خلقت جدیدی هستید. درباره ی پیش زمینه ی خود اندیشه نکنید و به نومیدی گذشته، شکست ها و تجربیات تلخ ناشی از مسیحیت سنتی و یا دنیای اطراف خود ننگرید. همه چیز اکنون تازه شده است. چیزهای کهنه درگذشت، اکنون چیزهای کاملا تازه به سوی شما جاری شده است.

قدرت یک بمب هسته ای

در واقع این حقیقت به این مفهوم است که شما جایی این طرف و آن طرف می روید و درونتان پتانسیلی به اندازه ی قدرت یک بمب هسته ای دارید. تمام قدرت خدا از طریق روح القدس که در شما ساکن است، در روحتان گذاشته شده است. شما کاملا به قدرت، حکمت، توانایی و محبت او دسترسی دارید. این ها همه در درون شما گذاشته شده و خدا می خواهد به شما در درک آن کمک کند. شما باید هم ذات پنداری با انسانیت کهنه ی خود را متوقف ساخته و شکست های گذشته ی خود را فراموش کنید. اگر شما شروع به درک معنای این هویت تازه کنید، البته نه با دانسته های پیشین خود و به شکلی که آموخته اید، بلکه به شکلی که خدا در روح

القدس به شما بخشیده است، یک زندگی فراطبیعی و غیرقابل تصور در درون شما آشکار می شود.

آزادی از تعصب دینی و خشک مقدسی

خدا ما را برای زیستن در یک روش خشک مقدسانه و مذهبی فراخوانده است، بلکه برای یک زندگی مافوق طبیعی ما را دعوت نموده است. شما یک فرد عادی و معمولی هستید و از بودن در مسیری که در آن قرار دارید، راحت به نظرمی رسید. نیازی ندارید که یک فرد متعصب مذهبی شده و یا شروع به دعا کرده و در طریقی خاص و ویژه سلوک نمایید. اگر چنین کاری بکنید، تنها به خودتان آسیب خواهید رساند. خداوند می خواهد انسان درونی شما رو به جلو پیش رود، حتا زمانی که روی زمین یک زندگی عادی و کاملا معمولی را طی می کنید. در چنین صورتی قدرت ماوراالطبیعه ی خدا از طریق شما در شرایط غیر معمول جریان خواهد یافت. شما خلقتی تازه در عیسای مسیح هستید و از طریق روح القدس می توانید برای انجام کارهای غیرمنتظره هدایت شوید. تمامی این ها به خاطر آن است که خدا در درون شما ساکن شده است. این شبیه به در اختیار داشتن یک قطب نمای درونی است، چرا که شما به وسیله ی کسی که شبان شماست، هدایت قلبی می شوید. کسی که خالق شماست، شما را راهنمایی می کند، تعلیم می دهد و به شما حکمت می بخشد. رفع همه ی نیازهایتان در درون شما تدارک دیده شده است. آن چه که

لازم دارید، یاد گرفتن حرکت به سوی آن و روش استفاده از آن است.

شما اکنون در یک نقطه‌ی شروع باورنکردنی ایستاده‌اید. اگر در درک تمامیت آن عاجز بمانید، هرگز قادر به انجام خواست و اراده‌ی خداوند نخواهید شد. اگر مدام در زباله و کثافات زندگی خود به جست‌وجو ادامه دهید، دیگر هیچ بختی برای هدایت شدن توسط روح القدس و درک قدرت او نخواهید داشت. اگر خدا می‌خواهد که گاهی چیزهایی را از زندگی گذشته شما به یادتان آورد و برایتان آشکار سازد، تنها با این قصد است که روح القدس به شما نشان دهد به طور کامل از آن چیزها پاکتان ساخته است. خون عیسا شما را از هرناپاکی و ناراستی پاک ساخته، چیزهای کهنه درگذشت و دیگر هیچ محکومیتی برای آنانی که در عیسای مسیح هستند، وجود ندارد.

شما دارای خلقت تازه‌ای هستید و در راستای قانون روح حیات گام برمی‌دارید. شما با پیروزی به پیش رفته و هیچ چیز نمی‌تواند شما را از انجام خواست خدا و آن چه که برای آن توسط خداوند خوانده شده‌اید، باز دارد. شما باید یاد بگیرید که خود را در این راه ببینید.

تمرکز بر چیزهای نیکو و راست

اگر موفق به انجام کاری نشوید، شیطان شما را محکوم خواهد کرد. او به شما خواهد گفت: "آن کاری را که می بایست انجام دهی، انجام ندادی، رفتار توشایسته نبود، تو شکست ها و مصیبت های بسیاری داشته ای و می دانی که مردم چنین چیزی را دوست ندارند و تا چه حد از تو متنفر می باشند." این نمونه ای از دروغ های شیطان است که به مسیحیان می گوید، مسیحیانی که قلبی وفادار برای خدمت خداوند دارند. شما می توانید بر این چیزها متمرکز شده و به آن ها اجازه دهید وارد قلبتان شوند: "گمان می کنم این ها درباره ی من حقیقت دارد و درست همان وضعیتی است که من در آن هستم. فکر می کنم که یک بیچاره ی تمام عیار هستم و کارهای وحشتناک بسیاری انجام داده ام." و این روش شما به آسانی به شیطان اجازه می دهد قدرت شما را دزدیده و متزلزلتان کند. با این کار شما قادر نخواهید بود قدرت روح القدس را به دیگران منتقل سازید.

هویت خود را با عیسای مسیح تعیین کنید

شما نیاز به آشکار شدن هویت تان در عیسای مسیح دارید. این که در او چه کسی هستید؟ شما باید خودتان را به عنوان فردی با داشته های او و توانایی انجام دادن امور از طریق او ببینید. شما بدون تاثیر گرفتن از آن چه دیگران، کلیسا یا خانواده تان

می گویند، سلوک نمایید. شما می توانید استوار و بدون تغییر و تاثیر از آنانی که شما را تحت فشار قرار می دهند، یا قصد بازداشتن شما از حرکت را دارند و با شما از چیزهایی سخن می گویند که از خدا نیست، باقی بمانید.

شما هر چیزی را که نیاز دارید، از طریق روح القدس می یابید. حکمت و آگاهی الهی از طریق روح القدس در درون شما ساکن شده است. اگر شما از روح القدس تعمید بیابید، مسح او بر تمام زندگی شما قرار خواهد گرفت و شیطان نمی تواند مانع حرکت شما بر طبق کلام خدا باشد. زمانی که شما براساس آن چه خدا گفته رفتار می کنید، شیطان هیچ فرصتی ندارد، او تنها می تواند سعی کند شما را با مفاهیمی مانند مفلوک بودن، گناهکار، بدبخت و کسی که هیچ کاری نمی تواند انجام دهد، فریب دهد. او به شما دروغ خواهد گفت، شما را فردی وحشتناک خطاب خواهد کرد. سعی می کند با ارائه ی تصویری از چیزهای ناخوشایند که برای شما زمانی که در طریق الهی گام برمی دارید به وقوع می پیوندد، بترساند. او به شما خواهد گفت: "مردم فکر خواهند کرد که تو فردی خشک مذهب و متعصب هستی، تو هرگز نمی دانی چه به وقوع خواهد پیوست، پس بهتر است آسان بگیری."

نخستین حربه های شیطان

ترس ها و دروغ ها دو اسلحه ی مهم و موثر شیطان هستند. نباید به او اجازه دهید تا دروغ هایی درباره ی آن چه شما هستید، بگوید. شما ممکن است بدترین آدم بوده باشید، گناهکارترین فرد در شهرتان، اما باید بدانید آن مسائل هیچ تاثیری در آن چه اکنون هستید، ندارند. شما اکنون دارای خلقتی تازه در عیسای مسیح هستید و بی نهایت ارزشمند برای خداوند. هویت حقیقی شما در آن چیزی است که خداوند در روح شما قرار داده است، در آن چه که او درباره ی شما گفته است و در انسان جدیدی که در شما خلق شده است.

اگر با او مخالفت کنید و حرف های او را در مورد خودتان بی اساس و مهممل بخوانید، مرتکب اشتباهی نشده اید. خدا شما را بی گناه خوانده است، به شما تولد تازه بخشیده و هر آن چه را که به آن احتیاج دارید، در درونتان قرار داده است. اگر خداوند رحیم نبود، پس چرا فرزند یگانه ی او جان اش را برای شما داد! مگر او هرچیز با ارزش را با اوبه شما نداده است!؟

بنابراین اگر هر سخنی را که مطابق گفتار خدا درباره ی شما نیست رد کنید، مرتکب اشتباهی نشده اید. اگر شما با آن حرف ها موافقت کنید به شیطان اجازه ی ورود داده و نهر روح القدس را در درونتان متوقف خواهید ساخت، آنگاه شیطان آمده، می دزدد، می کشد و زندگی شما، خانواده تان و کلیسایتان را نابود می کند.

قدرت اعتراف شما

شروع کنید به هویت بخشی خود با توجه به آن کسی که در عیسیای مسیح هستید. شما دارای خلقتی تازه اید و نیاز دارید در آن چه که توسط روح القدس زمانی که تولد تازه یافتید و از او تعمیم گرفتید، به شما داده شده است، تامل نمایید. آن چه که خدا به شما داده، بسیار زیاد است و او خواستار آن است که آن ها را در زندگی شما ببیند.

از گفتن آن چه شیطان درباره ی شما می گوید، پرهیزید و شروع به بیان دیدگاه خدا درباره ی خود نمایید و این عمل را علیرغم تمام احساسات خود و شرایطی که ممکن است در زندگی شما وجود داشته باشد، انجام دهید.

کیست که در شما زندگی می کند؟ اعمال ۱۰ : ۳۸ این مطلب را به خوبی روشن می نماید: " و چگونه خدا عیسیای ناصری را با روح القدس و قدرت مسح کرد، به گونه ای که همه جا می گشت و کارهای نیکو می کرد و همه ی آنان را که زیر ستم ابلیس بودند، شفا می داد، از آن رو که خدا با او بود."

این آن شخصی است که در شما زیست می کند. عیسیای مسیح می خواهد که این کارها را امروز از طریق شما انجام دهد. او خواستار آن است تا هر آن چه را که وقتی روی زمین بود بیان می کرد، از طریق شما بگوید. عیسیای مسیح از طریق شما، همان است که زمانی روی زمین در جسم گام برمی داشت. این یک حقیقت است، کاملا

مستقل از احساس درونی شما. شما ممکن است بگویید: "من هرگز چنین تجربیاتی در زندگی خود نداشته‌ام. من نمی‌توانم بگویم که شبیه عیسا هستم. من در واقع هیچ وقت دست خودم را بر بیماری نگذاشته‌ام و حتی از دیدن همسایه‌ی دیوار به دیوارم احساس بی‌زاری و ناراحتی کرده‌ام!" این مطالب هیچ نکته‌ی اجرایی را در خود نهفته ندارند که با آن بتوان کاری صورت داد. ما در حال صحبت درباره‌ی چگونگی رفتار شما نیستیم، بلکه درباره‌ی آن چه هستید، صحبت می‌کنیم.

شما ممکن است تا به حال به عنوان فرد و یا شخصیتی که حقیقتاً هستید، رفتار نکرده باشید. ممکن است بسیار دور و پایین‌تر از حقوق و راستی خود زیسته باشید، شبیه پسر یک پادشاه که به عنوان یک گدا در سرزمین بیگانه زندگی می‌کند؛ چیزی کاملاً مغایر با او. خداوند به شما تولدی تازه بخشیده است و به واسطه‌ی روح القدس، عیسا مسیح را در شما قرار داده است. بنابراین شما آن چه که عیسا است، می‌باشید. شما عضوی از بدن او هستید و درست همانند او در این دنیا می‌باشید. (اول یوحنا ۴ : ۱۷)

وقتی شما شروع به دیدن و پذیرش آن چه که حقیقتاً هستید می‌کنید، خود را آن شخصی خواهید یافت که حقیقتاً باید باشید. اجازه دهید مثالی بزنم:

نخستین باری که من شفای الهی را به عنوان نتیجه‌ی دعای خود دیدم، درست دو هفته پس از صحبت‌ام با یک استاد الاهیات

بود. من تحقیق و رساله ای درباره ی شفا نوشته بودم و آن استاد نزد من آمد و با بدگمانی نسبت به آن چه گفته بودم، پرسید: "خب اجازه دهید حالا حقیقت را بشنویم، آیا شما تا به حال خودتان شفای کسی را دیده اید؟" بی ایمانی او یک خشم مقدس را در من شعله ور ساخت و من جواب دادم: مرقس ۱۶ به ما می گوید که هرگاه ایمان داران دست ها بر مریضان گذارند، شفا خواهند یافت و بنابراین من ایمان دارم وقتی دست ام را بر مریضی بگذارم، او شفا خواهد یافت. اما واقعیت این بود که من هنوز دست خود را حتا بر یک مریض نگذاشته بودم. در طول آن گفت و گو، ایمان در من بروز می یافت و من ادامه دادم: "من نمی دانم چه چیزی ممکن است اتفاق بیفتد، بهتر است ساده بگیریم."

من نخستین پله ی ایمان را پشت سر گذاشته بودم، پس گفتم: "این درست همان چیزی است که کلام خدا می گوید." وقتی دهان من به کلام خدا باز شد، آن چه را که او می خواست بیان کردم. دو هفته بعد ما جلسه ای برای شفا ترتیب دادیم که در آن خدا بیماران را شفا بخشید. پیش تر هرگز چیزی شبیه آن را ندیده بودم. این یک تجربه ی عالی و بی مانند از ایستادن خدا بر کلام و وعده هایش بود.

به اعتراف خود وفادار بمانید

شما ممکن است بیاندیشید که ماهیت این اعتراف مثبت چیز عجیبی به نظر می‌رسد، ولی در واقع بیان آهسته و بعضاً غرآلود آیات انجیل نیست، بلکه به سادگی گفتن "بلی" به آن چیزی است که خداوند گفته است. خدا فرموده که من خلقت تازه ای هستم. پس من دارای خلقت تازه هستم. اگر او مرا یک همکار می‌خواند، من همکار او هستم. اگر او مرا دوست، مباشر و خادم خود می‌خواند، پس من حقیقتاً آن چه که او می‌گوید، هستم و علیرغم احساسات یا آن چه که جسم من است و یا آن چه اطراف من ممکن است وجود داشته باشد، همه ی این‌ها را باورداشته و اعتراف می‌کنم.

من آن کسی هستم که خداوند می‌گوید، او مرا به کارمی‌برد چرا که او قادر به انجام این کار است. اگر شما هر روزه و بارها این اعترافات نیکو را تکرار کنید، خود را در این مسیر بازخواهید یافت. عیسای کتاب مقدس در یک مرتع سبز که با گوسفندی روی زانوان اش نشسته باشد، نیست. او شیر سبط یهوداست، عیسا دیروز، امروز و برای همیشه همان است. او تمام کسانی را که به سوی او می‌آمدند، شفا می‌بخشید. این همان عیسایی است که ما موعظه اش می‌کنیم و در درون شما زندگی می‌کند، عیسا کارهایش را از طریق شما انجام می‌دهد. شما قرار نیست کاری انجام دهید، پس راحت باشید. ممکن است بگویید: "من بارها خداوند را

نادیده گرفته و او را مایوس کرده ام" هیچ مهم نیست! اگر او قرار بود با این چیزها مایوس شود، مدت ها پیش مایوس شده بود.

مسیح در شما

خداوند به انسانیت کهنه ی شما نگاه نمی کند، او به آن چه که در روح شما قرار داده، توجه می کند. او به عیسیای مسیح در شما نگاه می کند. این مساله علت اعتماد او به شما در همه چیز است. به یاد داشته باشید که این اعتماد به خاطر شما نیست و بستگی به شما ندارد، بلکه به خاطر خدایی است که در شما ساکن است. این راز عهد جدید عیسا در شماست. پولس دعا می کند تا چشمان روحانی ما باز شود تا دریابیم در مسیح چه هستیم و چه داریم. ما باید شروع به دیدن مسیحی کنیم که در ما ساکن شده و می خواهد از طریق ما عمل کند، ما باید بدانیم که او قادر است.

پاسخ شما به این عهد الاهی به این صورت باید باشد که: "بله، من خلقت جدیدی هستم و می خواهم آن چه را که خدا به من گفته است، به عمل آورم. من می خواهم به سمت کسانی بروم که به عیسیای مسیح احتیاج دارند. من می خواهم انجیل را موعظه کنم و دستان ام را بر مریضان بگذارم."

نخستین باری که دستان خود را بر مریضان می گذارید، شیطان در گوشتان این گونه نجوا می کند: "ها ها! هیچ چیز اتفاق نمی افتد." می دانید چرا؟ چون شما هنوز از آن چه هستید، مطمئن نیستید.

شما با عدم اطمینان می اندیشید "شاید هیچ چیز اتفاق نیفتد" بنابراین اگر برای کسی که دعا می کنید، شفا نیابد، شیطان چنین خواهد گفت: "می بینی پس از این همه دعا چیزی اتفاق نیافتاد!"

مطابق دعوت خود عمل کنید

دو دلیل برای این امر وجود دارد: نخست این که شفا زمانی که شما تلاش می کنید، جاری نمی شود. خدا به شما نگفته است که تلاش کنید بلکه از شما خواسته عمل کنید. ممکن است به خودتان چنین بگویید: "خوب، سه هفته در این راستا صبر خواهم کرد، بنابراین جاری شدن شفا را خواهم دید." هرگز موفق نخواهید شد! از طرف دیگر اگر دعوتی عمیق در شما گسترش یابد و اجازه دهید کلام خدا تا پری کامل، انسان درونی شما را لمس نماید و دهانتان از فراوانی قلبتان سخن گوید، معجزاتی را خواهید دید که در زندگی و پیرامون شما بروز خواهد یافت.

به جای تلاش در این راستا باید بگویید: "خدا چنین گفته است، چه من قادر به درک آن باشم یا نه! اگر کسی شفا نمی یابد، باید دلیلی برای آن وجود داشته باشد. خدا مرا تعلیم خواهد داد و در زمان خود مرا از آن علت آگاه خواهد ساخت. در طول این مدت اجازه نخواهم داد این مسائل مانع من شود. من برای بیماران دعا می کنم." در نتیجه ی این رفتار، روح القدس شما را حمایت خواهد کرد و ناگهان آن چه را که خدا می خواهد ببینید، خواهید دید.

نشانه ها و شگفتی هایی که خدا به واسطه ی آن ها خدمت شما را تایید می نماید. این حقیقتی برای ایمان داران معمولی در جهت خدمات پنج گانه است.

بیداری از طریق عوام

من ایمان دارم که بیداری برای آن که برای ما شهادتی باشد، از طریق کسانی که آن ها را عوام می نامیم، بروزمی یابد؛ مردمی که شغلی عادی داشته ولی به واقع در مفهوم یک ایمان دار می گنجند. آن ها مفهوم خلقت تازه را به درستی درک می کنند. زمانی که دستشان را بر مریضان می گذارند، در نام عیسا شفا جاری می شود. زمانی که آنان از این نام استفاده می کنند، معجزات فراوان پدیدار می شود. خدا می خواهد قدرت اش را از طریق این افراد به جریان اندازد. ما به مراتب بیش تر از واعظان بزرگ به مردمی احتیاج داریم که حاضر باشند جزو لشگریان خدا شوند.

خدا در شما

عیسای مسیح در شما زندگی می کند. زمانی که تولد تازه می یابید، جزیی از طبیعت الاهی او می شوید. (دوم پطرس ۱ : ۴)
این نکته به این مفهوم است که خدا همان کیفیت های موجود در شخصیت خود را به شما بخشیده است. زمانی که انسان درونی شما مجدداً به شباهت خدا آفریده می شود، آن انسان در واقع با خدا و طبیعت او یکی شده است و جزیی از خانواده ی الاهی است. (اول

قرنتیان ۳ : ۱۶، ۶ : ۱۷ و افسسیان ۴ : ۲۴) بنابراین توانایی های الهی و ویژگی های شخصیتی او می تواند اکنون شروع به نفوذ و تغییر در شما نماید. در واقع خدا به طور کامل به شما یک زندگی جدید بخشیده است. ویژگی او حیات و نور است. او وقتی به شما حیات خود را می بخشد، تمام آن چه را که هست به شما می دهد. او سلامتی خود را به شما داده است که در انسانیت درونی شما یا روحتان سکنا گزیده است. او مسح و آگاهی و حکمت خود را به شما عطا کرده است. همه ی این ها در شماست. به عنوان یک خلقت تازه با خدایی راه می روید که در شما زندگی می کند. مهم نیست کجا می روید، حتما اگر در مکانی پر از غیرایمان داران باشید، خدا آن جا نیز با شماست. زمانی که می ایستید تا به واسطه ی مسح روح القدس سخن گوئید، در واقع خدا سخن می گوید. در لوقا ۱۰ : ۱۶ عیسا چنین می گوید: "آن که شما را شنود، مرا شنیده" اگر شروع به برکت دادن محیط اطرافتان کنید، خدا آنان را برکت می دهد.

نور پولس

وقتی پولس در مسیر روم کشتی شکسته شد، به او گفتند: "پولس، مترس. تو باید برای محاکمه در برابر قیصر حاضر شوی، و به یقین، خدا جان همسفرانت را نیز به تو بخشیده است." (اعمال ۲۷ : ۲۴) به عبارت دیگر تمام کسانی که در آن کشتی بودند، اگر پولس در آن نبود باید می مردند. آنان نجات یافتند، چون پولس یعنی

خلقتی تازه در مسیح آن جا بود. سرانجام کشتی بر خشکی آرامی گرفت و پولس، به عنوان انسان تازه ی خداوند، مردمی را که در آن جا بودند، شفا داد. (اعمال ۲۷-۲۸)

شما نور هستید

با استناد به فیلیپیان ۲ : ۱۵ شما نور آسمانی در این جهان هستید. بدون توجه به شرایطی که شما خود را در آن می یابید، می توانید برای آن چه که در اطرافتان است برکت باشید.

این مساله روشنگر چرایی حملات دائمی شریر علیه شما به وسیله ی تشویش، محکوم کردن، شکست، نزاع، حسادت، افسردگی، تنبلی و همه ی آن چه که به کار جسم مربوط است، می باشد. او سعی می کند دست به اعمالی بزند که هرچه بیش تر نور شما را خاموش یا کم فروغ سازد تا آن هایی که در اطراف شما هستند، نتوانند آن چه را که با شما و در شماست، ببینند. اگرچه مردم همیشه پیش از آن که دهان خود را بگشایند، آن چه را که درون شماست، می بینند. می توانید ببینید که بی ایمانان بلافاصله و به محض ورود شما به اتاق جا می خورند، چیزی در درون آن ها فوراً واکنش نشان می دهد. نور درون شما خود به خود تاریکی آنان را به ایشان نشان می دهد.

هویت خود را با نور تعریف کنید

این کاملاً غلط است که احساس هم ذات پنداری با تاریکی داشته و از آن کسب هویت کنید. این روش کاملاً مسخره و احمقانه است. وظیفه ی شما تاباندن نور به تاریکی است. شما نور هستید و در نور سالک اید. اگر هویت خود را بر مبنای نور تعیین کنید، می توانید نوری را که در درون شماست به دنیا ببانید. با انجام چنین کاری باید تلاش کنید تا ضعف های خود را بردارید، بر مشکلات غلبه کنید و کارهای جسم را بازدارید. آن ها را به حال خود رها کنید و از تمرکز روی آن ها بپرهیزید و دیگر در موردشان صحبت نکنید. به جای آن شروع به تمرکز روی کلمات حیات جاوید نمایید. کتاب مقدس آشکارا به ما شرح می دهد که خداوند از کلام خود به عنوان یک واسطه در جهت تقویت انسان درونی تان و تازه سازی افکارتان استفاده می کند تا بدین وسیله شما شروع به فکر کردن و صحبت کردن مطابق و همسان با خدا نمایید. کتاب مقدس تعلیم می دهد که شما فکر مسیح را دریافت کرده اید. (اول قرنتیان ۲: ۱۶)

چند بار تا به حال گفته اید که: "من نمی توانم صدای خدا را بشنوم و قادر به درک اراده ی او نیستم" این یک دروغ است و نباید هرگز آن را تکرار کنید. کلام خدا می گوید شما گوسفندان هستید و گوسفندان همواره صدای شبان خود را می شنوند.

یاد بگیرید که صدای خدا را تشخیص دهید

اگر نمی توانید صدای شبان را بشنوید، باید نجات یابید. از لحظه ای که تولد تازه پیدا می کنید، چیزهایی در درون شما شروع به پاسخ به صدای شبان می کند. این مساله به آن معنا نیست که قادر به شنیدن صدای او به طور کامل در همه ی شرایط خواهید بود، شما نیاز دارید که ذهن خود را تازه سازید تا با آن چه شیرین، دنیا یا خواهش جسم می گوید، به سرعت موافق و هم رای نگردید.

دنیا همواره درباره ی شما چیزهای منفی می گوید. پیش از تولد تازه، دنیا یا به طور خاص تری شیرین آن چه درباره ی شما می گفت در راستای مغرور ساختن شما بود تا شما را از عیسای مسیح دور سازد. زمانی که روح القدس شما و غرورتان را درهم شکست، پیش صلیب عیسای مسیح به روی زانوان خود افتادید و به گناهان خود اعتراف کردید، عیسا پادشاه و سرور شما شد و تولد تازه یافتید، درست در همین زمان شیطان استراتژی خود را نسبت به شما تغییر داد. پیش تر او از جملاتی استفاده می کرد که به واسطه ی آن قصد داشت به شما بگوید تا چه حد باهوش و خاص هستید و باید متکی به خود باشید و دنباله رو مسیحیان ضعیف نباشید، اما پس از توبه او تاکتیک خود را عوض کرده و به شما می گوید که ضعیف و ناتوان هستید و هیچ چیز، هرگز برای شما پیش نخواهد رفت.

ذهن خود را تازه گردانید

شما باید از گوش دادن به شریب و صدای دنیا بازایستید. دنیا به ما می گوید که کل اقتصاد ما تا چند سال دیگر برشکست شده و فروخواهد پاشید. ما فقط اخبار و گزارش های بد را یکی پس از دیگری از دنیا می شنویم. اما خداوند چه می گوید؟ خداوند می گوید راستان امید زنده دارند. او می گوید که آنان هرگز محتاج نان نخواهند شد. او می گوید آنان در هر کاری که به آن دست می یازند، موفق خواهند شد. روح القدس از طریق شما جاری می شود و بر تمام چیزهای پیرامونتان تاثیر می گذارد. مردم تولد تازه می یابند، چراکه شما دریافته اید خلقتی تازه در عیسای مسیح هستید. هیچ محکومیتی برای شما وجود ندارد، هم چنین دلیلی ندارد که شروع به حفاری گناهان گذشته ی خود نمایید. شما از سر نو مولود گشته اید و لذا قانون محکومیت، گناه و مرگ دیگر بر شما حکم فرمایی نمی کند. شما در زندگی خود به پیش خواهید رفت و در خوشبختی و سعادت گام بر خواهید داشت و هر آن چه را که نیاز دارید، به شما داده خواهد شد. پیش از آن که بتوانید از این نوع زندگی لذت ببرید، باید وارد کتاب مقدس شده و در آن تعمق نمایید. شما نیاز دارید که خداوند ذهن شما را تازه سازد و چیزهایی در مورد شما بگوید که خود هرگز جرات گفتن اش را نداشته اید. عیسا در یوحنا ۱۴: ۱۲ چنین می گوید: "آمین آمین به شما می گویم، آن که به من ایمان داشته باشد، او نیز کارهایی را که من

می‌کنم، خواهد کرد، و حتا کارهایی بزرگتر از آن خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می‌روم. "پاسخ شما به این گفته باید چنین باشد: "به تو ایمان می‌آورم و ایمان دارم، پس کارهای بزرگ تر انجام خواهیم داد." جالب خواهد بود وقتی ببینیم این کارهای بزرگ تر چه هستند.

فروتنی و غرور

این طریقی است که خدا به شما نگاه می‌کند. او بارها ما را با دیدی متفاوت از آن چه خودمان داشته ایم، دیده است. با توجه به این که چه کسی هستیم و چه کاری می‌توانیم انجام دهیم، از نظر روحی و روانی دارای محدودیت هستیم. ما به میزان بسیار زیادی به واسطه ی فکر و نظری که دیگران در مورد ما دارند، محدود و تحقیر می‌شویم به ویژه درباره ی مسیحی بودن و این که جرات باور هیچ چیز مثبتی را درباره ی خود نداریم. مفهوم فروتنی کاملاً مغایر این نظر است. فروتنی به ما نمی‌گوید که بی‌مصرف ایم، این غرور است در لباسی مبدل.

فروتنی حقیقی مستلزم تسلیم افکار شما به خدا و پذیرش آن به عنوان افکار خود است. وقتی به خدا می‌گویید که گناهکارید، زنانتان در برابر او خم می‌شود. شما می‌دانید که او حقیقت و راستی است و هر چه را که می‌گوید، به آن بلی و آمین می‌گویید. غرور به ما می‌گوید که انجام آن چه در انجیل نوشته شده و اجرای مو به مو و دقیق آن نه تنها ساده نیست، بلکه محال است.

همه ی ما مطمئنا در دام چنین تفکراتی گرفتار شده ایم، خواست خدا آزادی ما از چنین تفکراتی است. او می خواهد ما را با هدایت روح القدس از چیزهایی که این چنین مشغول مان داشته و از انجام اراده ی او ناتوان می سازد، آزاد کند.

خدا می خواهد ما را از خودمان رها کند تا مدام مشغول خود و زندگی خود نباشیم. دعای ما نباید همواره شامل لیست درخواست های ما از خدا باشد تا آن ها را برایمان انجام دهد، ما باید دریابیم که از طریق عیسای مسیح و به واسطه ی او تمام نیازهای مان را خدا برآورده ساخته است. عیسا بهای همه چیز را با خون اش پرداخته است. از طریق تولد تازه، او شما را شریک طبیعت الاهی خود ساخته و در روح شما هر آن چه را که برای زندگی بر روی زمین نیاز دارید، قرار داده است. بنابراین هر آن چه را که احتیاج دارید، در اختیار شماست. همه چیز آن جاست، کافی ست آزادشان سازید.

به خداوند بلی بگویید

به این حقیقتی که دریافت کرده اید، با بلی گفتن شروع کنید. به این حقیقت که هیچ کمبودی ندارید، آری بگویید. به این حقیقت که دعای شما جواب داده شده است، آری بگویید. به این حقیقت که خدا همه ی نیازهای شما را می داند و آن ها را برآورده ساخته، بلی بگویید. به این حقیقت که حکمت لازم در راستای انجام کارهایتان را تحت هدایت روح القدس دارید، بلی بگویید. به این حقیقت که

توانایی و قدرت انجام کارهایی را که خدا شما را برای آن فراخوانده است دارید، بلی بگویید. زمانی که به این حقایق بلی و آمین می گویند، خود و هویت خویش را با توجه به خلقت تازه در عیسی مسیح باز می شناسید. آن گاه بسیاری از مشکلات شما به سادگی مانند برگ های پاییزی فرو می ریزند. وقتی خدا حقیقت خلقت تازه در زندگیتان را مستحکم نماید، بسیاری از مشکلات ناپدید خواهند شد. شما دعای خود را برای حل آن ها متوقف خواهید کرد و مسیر دعایتان به شکر گذاری خداوند جهت حل آن ها، تغییر خواهد کرد. چشمان تان باز خواهد شد و خواهید دانست که او حقیقتاً برای شما کیست. شما قادر به درک مفهوم خدای زنده و عیسی مسیح که پیغام اش را به دنیا اعلام می کنید، خواهید گشت. این دقیقاً همان چیزی است که او شما را برای انجام اش فراخوانده است.

زمانی که این تعلیم را به کار می برید و مسیح را برای آنانی که ملاقاتشان می کنید، موعظه می نمایید و درباره ی او سخن می گویند، هر کجا که باشید خدا نیاز شما را چه روحانی، چه روحی و احساسی و چه فیزیکی مرتفع خواهد ساخت. خدا در زندگی شما معجزات بسیاری انجام خواهد داد. این یک زندگی ماورالطبیعه است. وقتی قدرت انسانی خود را از دست می دهید، یک قدرت مافوق الطبیعه در اختیار شما قرار می گیرد. زمانی که حکمت انسانی شما زایل شده و دیگر کاربردی نمی یابد، حکمتی مافوق الطبیعه را کسب خواهید کرد.

البته می توانید به جای به کار بردن این امکانات، ناله و شکایت کرده و بگویید: "این ها همه اش حرف است" یا "من نمی دانم چه طور باید این کار را انجام دهم" و مطمئن باشید درست همان طور که می گوئید، بر سرتان خواهد آمد. اما اگر آن چه را که خدا به شما بخشیده، بپذیرید و به کار گیرید، خواهید دید که چگونه در زندگیتان عمل خواهند کرد. قدرت الاهی قادر است به گونه ای فوق طبیعی هر آن چه را که احتیاج دارید، در اختیار شما قرار دهد و با این کار، بیش تر برایتان آشکار می شود که خدایتان کیست. شما ممکن است اکنون این حقیقت را به خاطر جراحات و ناراحتی ها و نگرانی ها، درک نکنید اما درست به همین علت است که خدا می خواهد شما را از این چیزها بیرون بکشد تا انسان جدید که روح شما است بتواند بر جسم شما تسلط یابد.

خلقت تازه بودن به تعبیری مثل قدم زدن همانند آدم با خدا در باغ عدن است. اگرچه از آن بالاتر است، زیرا شما نه تنها در ارتباط با او قرار دارید، بلکه عیسا خودش در شما به واسطه ی روح القدس ساکن شده است. او هیچ کاری را بدون آن که نظر شما را بپرسد و از آن با شما سخن گوید، انجام نمی دهد. او هر روزه در ارتباط و مشارکتی عمیق در روح القدس با شما قدم می زند. او خواهان مشورت دادن به شماست و می خواهد راهنمایی تان کند، برکت تان دهد، و در راهی که هرگز ممکن نبود، به کارتوان برد.

هویت شما به عنوان یک خلقت تازه

همه ی این ها برمی گردد به این که بدانیم در عیسا چه کسی هستیم. اگر هیچ تمایلی در کشف این حقیقت نداشته باشید، زندگیتان به یک شکست دائمی بدل خواهد شد. این که در چه تعداد جلسه ی عالی حاضر بوده اید و یا چه تعداد نبوت بزرگ در زندگی شما صورت گرفته، یا چه تعداد تجربه ی فوق طبیعی و یا رویا داشته اید، اهمیتی در زندگی شما نخواهد داشت. شما تنها شکست را تا زمانی که کلام زنده ی خدا در روح شما قرار گیرد، تجربه خواهید کرد. نباید هیچ بی توجهی نسبت به زندگی مطابق کلام خدا داشته باشید؛ اگر مطابق آن رفتار نمایید، در آن صورت انسان درونی شما می تواند به شکلی نیرومند در فیض عیسی مسیح رشد نماید. به واسطه ی زندگی کردن کلام خدا، قادر خواهید بود در روز شریر که می آید، مستحکم بایستید. به عبارت دیگر می توانید در روز دوشنبه بعد از جلسه ی پربار یکشنبه نیز مستحکم و استوار بمانید، آن هم درست زمانی که شریر برای دزدیدن آن چه که خدا به شما بخشیده، می آید.

اگر ذهن شما تازه نشده باشد، از آن چه خدا درباره تان می گوید ناآگاه خواهید ماند و شنیده ها و دانسته های شما مستقیماً به آن چه شیطان درباره تان می گوید ختم خواهد شد. در این سردرگمی و تشویشی که نصیبتان می گردد، شیطان تمام آن چه را که خدا به شما داده است، خواهد دزدید. بدتر از این وجود ندارد که کسانی را

که تولد تازه دارند و تعمید روح گرفته اند مشوش، شکست خورده، و افسرده ببینیم که بی هدف به این سو و آن سو می روند. شیطان آن ها را به دام انداخته است، زیرا آن ها به زمانی که باید به کلام خدا می دادند تا در انسان درونی شان تثبیت شود و هویت شان را برایشان آشکار سازد، بی توجهی کرده اند.

هویت شما در عیسی مسیح باید واضح و آشکار گردد. در این لحظه است که ماجرای واقعی زندگی شما آغاز می شود. شما قادر خواهید شد با عیسا در مسیری گام بردارید و در راهی قدم بگذارید که سابق بر این برایتان غیر قابل تصور بود.

با صدای بلند اعتراف ایمان زیر را بخوانید

”من با استناد به کلام خدا خلقتی تازه هستم. کهنه در گذشته و اکنون همه چیز تازه شده است. خدا انسان جدیدی را در درون من خلق کرده است. من دیگر گناهکار نیستم، گرچه یک گناهکار بودم، اما به واسطه ی فیض خدا نجات یافته ام و اکنون یک ایمان دارم. خدا در درون من انسان جدیدی را خلق کرده است. پاکی، عشق، آرامش و شادی او در من به واسطه ی روح القدس قرار گرفته است. قدرت، حکمت، و حضور او به واسطه ی روح القدس که در من زندگی می کند، در اختیار من قرار گرفته است.

من همانی هستم که خدا می گوید هستم. خدا می گوید که عیسا در من زندگی می کند، بنابراین می دانم عیسا آن کارهایی را که

همواره انجام می‌داده، در من انجام می‌دهد. زمانی که دستان خود را بر مریضان می‌گذارم، آن‌ها شفا می‌یابند. وقتی شهادت می‌دهم، مردم نجات می‌یابند. وقتی کلام خدا را موعظه می‌کنم، مردم ایمان می‌آورند. وقتی به ارواح شریر فرمان می‌دهم که اخراج شوند، آنان خارج می‌شوند. هر آن‌چه خدا درباره‌ی من می‌گوید، حقیقت است و عیسا کلام اش را در من و از طریق من تایید می‌کند. عیسا در من است و شبان من است. او به خطر نام خود مرا به راه‌های راست و طریق‌های عالی هدایت می‌کند. نقشه‌ی او برای زندگی من پری ابدی است. از طریق او بی‌کی که در من زیست می‌کند، برای ملکوت و پادشاهی خدا ثمرات فراوان خواهم آورد، و از طریق زندگی من خدا خود را جلال خواهد داد. آمین"